

# باروک اوج تجربہ رہنمائی



پروگرام مطالعات  
پژوهشی در علوم انسانی  
پژوهشی در علوم انسانی

● سبک هنری باروک در سالهای آخرین قرن شانزدهم در ایتالیا متداول شد. در باره اینکه باروک تولد سبک هنری تازه‌ای بود و یا مرحله نهائی و پختگی رنسانس به شمار می‌آید، اختلاف نظر و سلیقه بسیار میان منتقدان هنری و آگاهان هنر وجود دارد.

در حدود سالهای ۱۶۰۰ شهر رم بدانسان که تحول رنسانس را سبب گردید، باروک نیز از این شهر برخاست. کارا و اجونقاش ایتالیائی با مدد از شیوه و یژه خود که در واقع با مانریسم و اوج رنسانس اختلاف بسیاری داشت از پیشگامان این سبک به شمار می‌رود. در کارهای اورنالمسج خاصی به چشم می‌خورد که نمایانگر و یژگی‌های کارنقاش در مقام مقایسه با دوره‌های قبل است.

در این میان کاراچی که معاصر کارا و اجو بود سهم عمده‌ای در باروری سبک باروک از آن خود می‌سازد، از عمده کارهای او باید دیوارنگاره سقف فارتزه در رم یاد کرد که تداعی نقاشی‌های میکلا آتو در کلیسای سیستین است، او معتقد بود که هنر می‌بایست به طبیعت بازگردد و بیشترین الهام را از آن گیرد.

حمایت کلیسا از سبک باروک سبب گردید که بیشترین آثار نقاشان باروک در دیوارنگاره‌ها و سقف نگاره‌های کلیساها متجلی گردد. فرسک معروف الهه سپیده‌دم از «گوئیدورنی» که به سال ۱۶۱۳ به اتمام رسید و نیز سقف نگاره‌ای از کورتونا در رم و همچنین سقف نگاره «پیروزی نام مسیح» در کلیسای مسیح واقع در رم که از کارهای ویژه و خوب گائولی به شمار می‌رود نمونه‌های روشن و برتر فرسک باروک در ایتالیا محسوب می‌گردند. این فرسک‌ها حکایت از ویژگی‌های سبک باروک در نیمه اول قرن هفدهم ایتالیا دارد.

### رواج باروک در ایتالیا

سبک باروک بیشترین نفوذ را در معماری ایتالیا کرد، بدنیاال برنامه‌های گسترده و وسیع بر پائی بناهای مذهبی در اواخر قرن شانزدهم، بسیاری از معماران و هنرمندان به فعالیت و خلاقیت در این زمینه پرداختند

«کارلو مادرنو» (۱۶۲۹-۱۵۵۶) از پیشگامان معماری باروک محسوب می‌شود، وی به سال ۱۶۰۳ از سوی پاپ ماموریت یافت که به کلیسای «سن پیترو» ملحقاتی اضافه کرده و آنرا با قصر واتیکان مرتبط سازد، مادرنو در اجرای این ماموریت است که ذوق و ابتکار و توانائی خود را در معماری باروک به ظهور می‌رساند.

از سوی دیگر «جان لورینزو برنینی» مجسمه‌ساز و معمار مشهور قرن هفدهم ایتالیا (۱۶۸۰-۱۵۹۸) در بنای سن پیترو و ملحقات آن ترکیبی از معماری و مجسمه‌سازی را بوجود آورد که نمودار کاملی از اوج هنر تزئینی باروک به شمار می‌رود. وی گذشته از تزئینات داخلی و مجسمه‌های گوناگون سن پیترو که معروف‌ترین آن بنام تخت سن پیترو مشهور است، سهم عمده‌ای در تزئینات خارجی سن پیترو بویژه در ادامه کار «مادرنو» از آن خود ساخت. ناگفته نماند که برنینی رقیب کارسازی نیز در معماری باروک مقابل خود داشت فرانچسکو بورومینی (۱۶۶۷-۱۵۹۹) از نقطه نظر عاطفی و دیدگاه هنری با برنینی متفاوت بود، وی چندان اعتنائی به رعایت نظریه رایج و کلاسیک دوره رنسانس که معماری را ملزم به رعایت و هم‌آهنگی با مقیاس‌ها و تناسب‌های انسانی میکرد نداشت او بیشتر به جنبه‌های اساسی و عاطفی باروک تمایل داشت و با چنان مهارتی مجسمه‌سازی و معماری را در هم ادغام کرد که تنها می‌توان در دوره گوتیک چنین ترکیبی را شاهد بود.

نمونه خوب کار او در این ترکیب در کلیسای «سنتاماریا دلایوتوریا» در رم موجود است که قسمتی از محراب کلیسا را با مجموعه‌ای بنام «جذب سنتاترزا» در بر گرفته است. در این مجموعه پیکر نوشته‌ای با تیری طلائی قلب «سنتاترزا» را نشانه گرفته، تیری که نشانی از جذب عطفوت مهر خداوند است.

### بورومینی هنرمندی مبتکر

در هر حال و شرایطی که برنینی با مدد از شیوه خاص خود در معماری باروک شهرتی جهانی یافت، رقیب سرسخت او «بورومینی» با بنای کلیسای «سن

کارلو) تحسین جهانیان را برانگیخت، مدت زمانی بعد «بورومینی» کلیسای «سن ایو» را ساخت که در آن نیز شخصیت و جسارت و ابتکار هنریش کاملاً آشکار است، بنای سوم بورومینی «سنت آنی یز» در میدان ناوونادرم است که می‌توان دگر بار شیوه خاص بورومینی را بچشم دید، وی آنچنان شهرتی در زمینه معماری و مجسمه‌سازی باروک یافت که بزودی شیوه کار او از شهر رم به شهرها و کشورهای دیگر نفوذ کرد و مورد تقلید قرار گرفت. از جمله پیروان شیوه بورومینی باید از «گوارینی» معمار نام‌آور ایتالیایی یاد کرد که به سال ۱۶۶۶ طرح نمای قصر «کارین نیانو» را که در حقیقت طرح نمای سن کارلو در مقیاسی بزرگتر بود پیاده کرد. جالب است گفته شود، شیوه کار بورومینی توسط «گوارینی» پخته‌تر گردید.

### باروک در اطریش

معماری باروک با یاری معماران نام‌آور ایتالیایی که به کشورهای اروپا بویژه اطریش و آلمان سفر می‌کردند رواج کامل یافت و مدت زمانی بیش نگذشت که در نیم قرن اول سده ۱۸ معماران دیگر کشورها، خود با مدد از تجارب معماری باروک بناهای ارزنده‌ای بر پا ساختند. «فیشر فون اراخ» (۱۷۲۳-۱۶۵۶) به عنوان بزرگترین معمار باروک در اطریش مشهور شد، وی که کاملاً وفادار به سبک معماری باروک ایتالیا بود طرح عظیم کلیسای «سن چارلز برنونو» را در وین پیاده کرد که آمیزه‌ای بود از سبک «سنت آن‌یز» بورومینی و پانتئون. در اطریش سوای «اراخ» باید از «تراکوب پراندتور» نیز نام برد که کاروی در پرپائی کلیسای «ملک» اطریش در زمره نمونه‌های خوب معماری باروک به شمار می‌رود. این کلیسا که در کنار دانوب و بر فراز صخره‌ای بنا شده، ترکیبی از یک قلعه مستحکم و کلیسا را در بردارد.

### باروک در آلمان

در آلمان نیز معماری باروک رونق خود را مدیون کارهای «بالتازار نیومان» (۱۷۵۳-۱۶۸۷) است، بویژه در بنای قصر «ورنبرگ» که خصوصیات

باروک آلمان را در اواسط قرن هیجدهم کاملاً مشخص می‌کند. از دیگر معماران نام‌آور آلمان باید از «دومینکوس زیمرمان» یاد کرد که معماری او آمیزه‌ای از گوتیک آلمان، اواخر باروک و نشانه‌های از آغاز روکوکورا در بردارد.

### باروک در فلاندر

پیش‌تر یاد شد که سبک باروک در رم متولد شد، اما با این حال سبک باروک بزودی اروپا را در بر گرفت. در میان هنرمندان نام‌آشنائی که در گسترش خارج از ایتالیا نقش مهمی داشتند باید نامی از هنرمند نام‌آور «پل روبنس» برد (۱۶۴۰-۱۵۷۷) وی در آغاز جوانی سفری به ایتالیا کرد و مدت هشت سال در آنجا اقامت داشت، هم در طول این مدت است که شدیداً تحت تاثیر نقاشان باروک ایتالیا «کاراچی» و «کاراواجو» قرار می‌گیرد. چندانکه در تابلو «افراشتن صلیب» که مصلوب کردن حضرت مسیح را مجسم می‌کند بهره‌گیری‌های او از شیوه کار «کاراواجو» کاملاً آشکار است.

در حدود سالهای ۱۶۳۰ کارهای «روبنس» تحت تاثیر «تی سین» نقاش ایتالیایی قرار می‌گیرد «آنتونی وان‌دایک» (۱۶۴۱-۱۵۹۹) از دیگر نقاشان سرشناس باروک فلاندر است، وی در زمینه پرتره صاحب ذوق و مهارت و یژه‌ای بود.

### باروک در هلند

سبک باروک در هلند از طریق آثار روبنس نقاش چیره‌دست فلاندری و نیز وسیله «کاراواجو» و پیروانش در کشور هلند رایج شد، با این تفاوت که هنرمندان هلندی این سبک را با شیوه‌های سنتی و محلی خود در هم آمیختند.

از نقاشان مشهور هلندی در زمینه باروک می‌بایست از «تربروگن» (۱۶۲۹-۱۵۸۸) یاد کرد که کارهایش شدیداً تحت تاثیر «کاراواجو» بود و نیز «فرانس هال» (۱۶۶۶-۱۵۸۰) که ابتدا شیوه روبنس را پذیرفت و از آن پس تحت نفوذ «کاراواجو» قرار

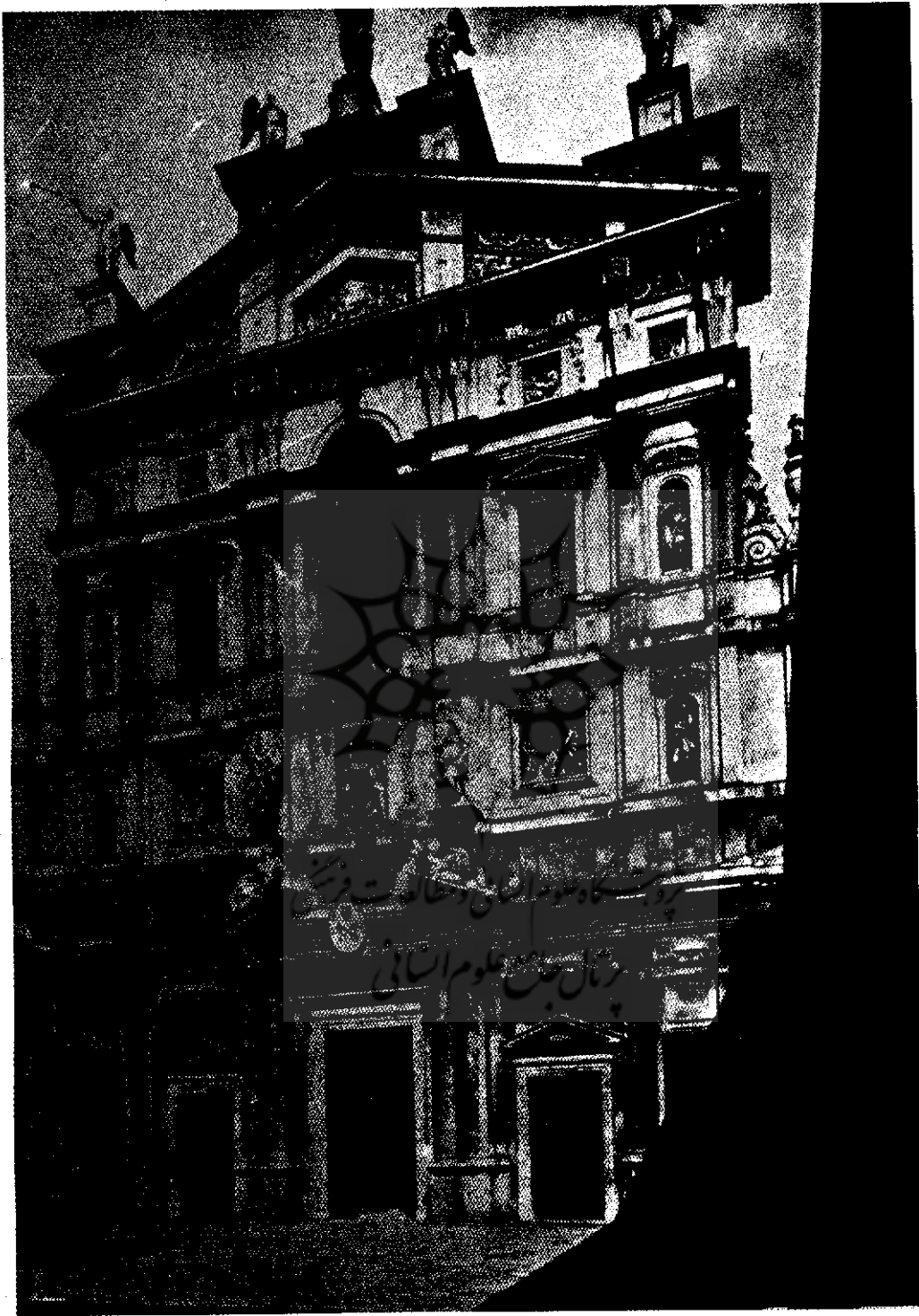


روزنامه‌های تاریخی

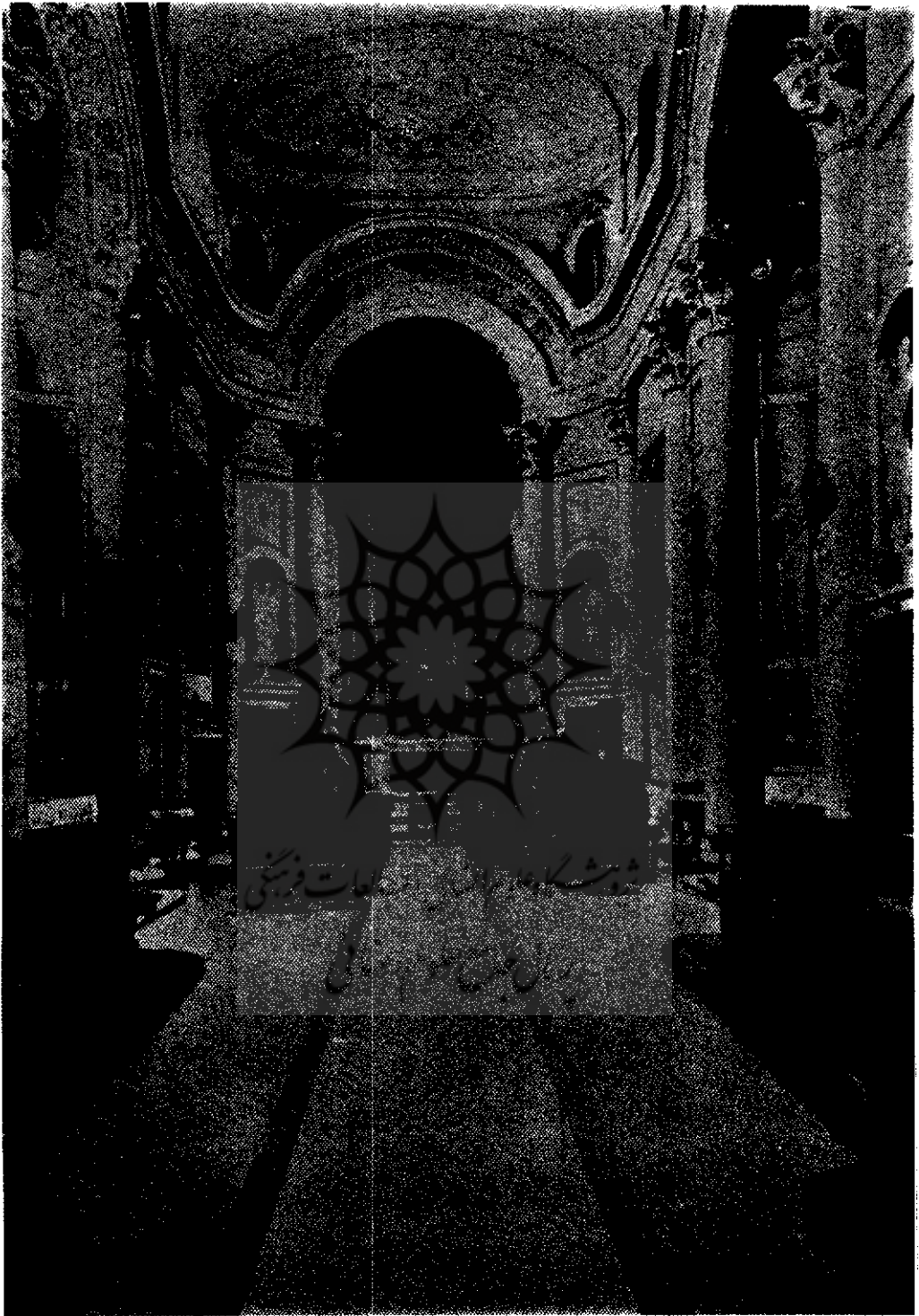
کتابخانه ملی

آگوستو بارلی، کلیسا





نمای روبه روی سن ماریا پریمو.



م، و انجمن کربور و مینی





پاریس، انولید



پتھریں ہمارا دل



گرفت.

تابیلوی مشهور او «سقای شهر سویل» مهارت چشمگیر وی را در نمایاندن زندگی کوچه و خیابان نشان میدهد.

### باروک در فرانسه

همچنانکه یاد شد باروک در کشورهای فلاندر، هلند، اسپانیا جز در نقاشی در سایر زمینه‌های هنری چونان مجسمه‌سازی و معماری آثار عمده‌ای که قابل بررسی و توجه باشد بوجود نیامورد و آنچه نیز در معماری و مجسمه‌سازی ارائه شد دقیقاً تحت تاثیر باروک ایتالیا بود.

اما فرانسه شرایط مساعدتری داشت و با کشورهای یاد شده تفاوت عمده‌ای پیدا کرد، چرا که در اواخر قرن هفدهم پاریس آهسته و آرام گوی سبقت را از نقطه نظر هنر از سایر کشورهای اروپائی ربود و نقطه عطف هنر اروپا شد.

در زمان لوئی چهاردهم (۱۶۸۵-۱۶۶۰) باروک با کوشش هنرمندان فرانسوی و استفاده از ذوقیات خاص هنر بومی فرانسه چندان در این کشور بارور شد که بیش از آنکه سبک باروک فرانسوی خوانده شود دوره کلاسیک فرانسوی نامیده شد که یادآور اعتلای هنری ایتالیا در دوره رنسانس و یا عصر «پریکلس» در آتن بود. همچنین گاه از آن بنام «باروک کلاسیک» نام برده شده است.

در اواخر قرن هفدهم نقاشان و هنرمندان فرانسه مانند هنرمندان سایر کشورها تحت تاثیر هنرمندان ایتالیائی، بویژه «کاراواجو» باروک را پذیرفتند «ژرژ دولاتور» (۱۶۵۲-۱۵۹۳) نقاش برجسته و توانمند فرانسوی در اوایل رواج باروک در این کشور به شمار می‌رود. تابیلوی مشهور او بنام «یوسف نجار» نقطه عطفی در تاریخ هنر باروک و بویژه باروک فرانسه قلمداد می‌شود. «لوئی لولن» (۱۶۴۸-۱۵۹۳) چهره سرشناس دیگری بود که همانند «دلا تور» نقش عمده‌ای در باروری باروک فرانسه ایفا نمود. تابیلوی مشهور او «خانواده روستائی» نشانگر صفا و سادگی و عاطفه قشری است که تنها در زمان باروک فرانسه به عرصه هنر

اما سرشناس‌ترین نقاش باروک هلند را باید «رامبراند» دانست (۱۶۶۹-۱۶۰۶) وی ابتدا شیوه «کاراواجو» را مد نظر قرار داد و بعد رفته رفته استقلال هنری خود را بازیافت. رامبراند علاقه فراوانی به مضامین کتاب عهد عتیق داشت و در بسیاری از تابلوهایش این مضامین مورد الهام و استفاده قرار گرفته است. اما اگر قصد آن باشد که بر اوج باروک در هلند شاهد شویم باید به تابیلوی «کور کردن سامسون» اثر ارزشمند رامبراند اشاره کرد، کاری که از ورای آن می‌توان عشق و علاقه نقاش را به شرق دریافت. آثار اواخر دوران هنری رامبراند از اکسپرسیونیسم خاصی بهره دارد، فضای کارهایش اغلب گرفته و غمگین است، حالات مذهبی و عاطفی آشکارا در کارهای او دیده می‌شود و مهمترین گرایش نقاش به نشان دادن فقر و تنگدستی محرومان جامعه است، رامبراند با چنین دستمایه‌هایی است که چهره‌ای ارزشمند در سبک هنری باروک به شمار می‌رود.

### باروک در اسپانیا

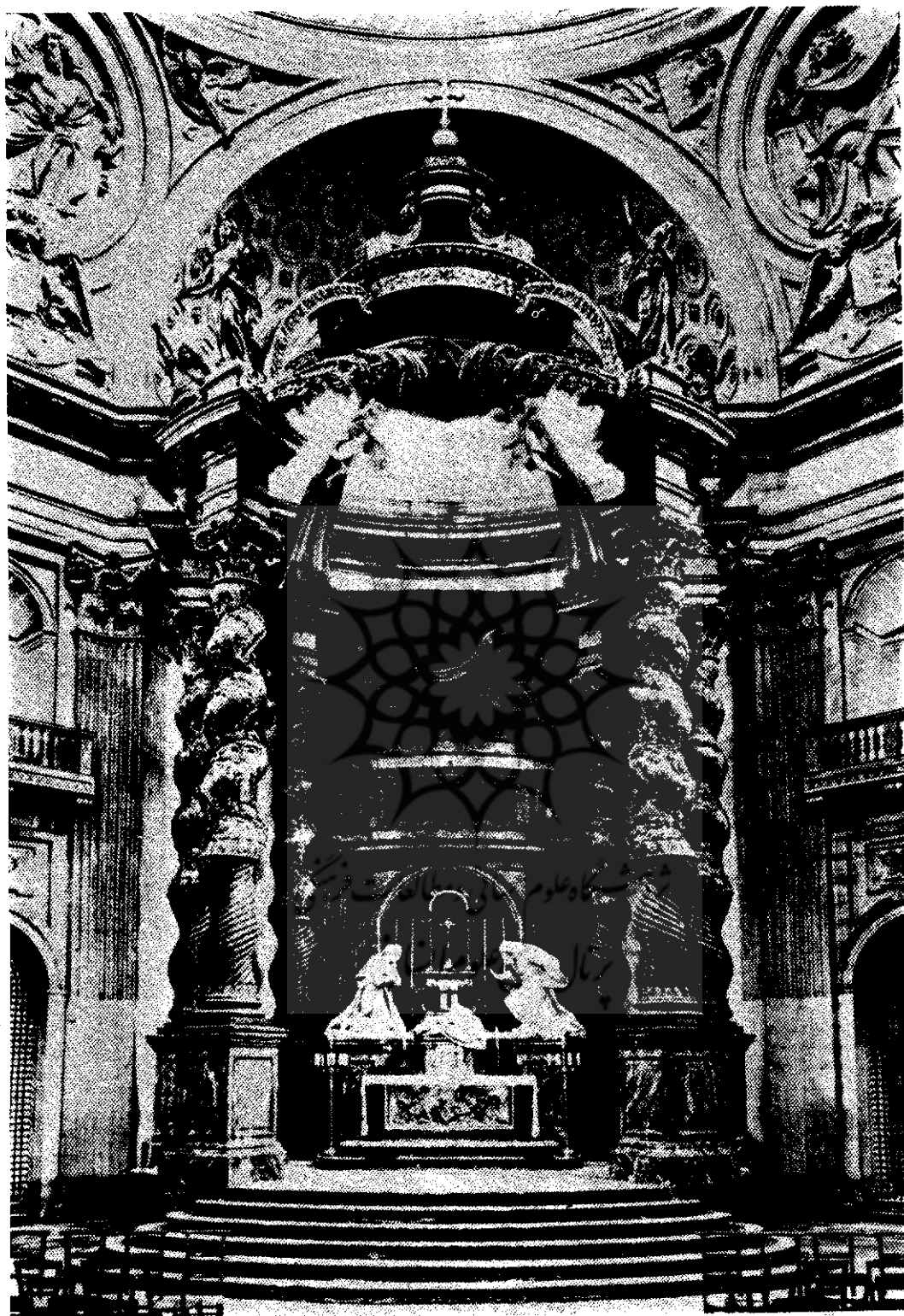
اسپانیا در قرن شانزدهم چندان در زمینه تجربه باروک گامی موثر برنداشت و به تعبیری هنرمندان آشنائی نیافت اما در کل سبک باروک در اسپانیا تحت تاثیر کار «کاراواجو» و نیز نقاشان فلاندری بویژه روبنس رواج یافت و مورد تقلید قرار گرفت.

اما استفاده و پیروی از شیوه طبیعت بیجان که با آثار نقاشان هلندی به اوج خود رسید و یکی از مشخصات عمده نقاشی باروک محسوب می‌شود بیش از همه مورد نظر نقاشان اسپانیائی قرار گرفت «کوتان» نقاش سرشناس قرن هفدهم در زمینه نقاشی طبیعت بیجان صاحب اعتبار و یژه‌ای گردید.

«دیسه گولاسکوتز» (۱۶۶۰-۱۵۹۹) از دیگر نام‌آوران باروک اسپانیا است، وی ابتدا تحت تاثیر «کاراواجو» باروک را پذیرفت اما بزودی به نمایاندن طبیعت بیجان و زندگی مردم کوچه و بازار روی آورد



ساکي - سن عورتی . ۱۶۳-۷



فرانسوا مانساره پاریس، ول-دو-گرانس



راه یافتند.

«کلود لورن» (۱۶۸۲-۱۶۰۰) بزرگترین نقاش منظره‌ساز باروک کلاسیک فرانسه نامیده شده، وی با آنکه قسمت اعظم عمر خود را در ایتالیا گذراند، با این همه، آثاری را که خلق کرد از ویژگی و استقلال خاصی برخوردار بود. از معاصرین او باید «نیکولا پوسن» (۱۶۶۵-۱۵۹۳) را نام برد، وی شدیداً تحت تاثیر مضامین اساطیری یونان و روم باستان بود و در کارهایش علاقه شدیدی به نمایاندن این تمدن‌ها نشان داده است. او همانند «لورن» از منظره‌سازان چیره‌دست قرن هفدهم فرانسه بشمار می‌رود، اما با تفاوت در اینکه «لورن» مناظر خود را از مناظر و صحنه‌های روستائی می‌گرفت و پوسن دوست داشت مناظری باستانی و کلاسیک را مجسم کند.

در سال ۱۶۴۸ اولین آکادمی رسمی هنری در زمینه پیکرسازی و نقاشی تحت ریاست «لیون» که از هنرمندان بنام فرانسه بود و پروژه قصر ورسای زیر نظر او انجام می‌گرفت، آغاز به کار کرد.

در زمینه معماری، معماران فرانسوی معماری باروک ایتالیا را مورد تقلید قرار دادند («فرانسوا منسر» (۱۶۶۶-۱۵۹۸) از جمله پیشروان معماری باروک فرانسه است. نمودار روشن درخشش معماری باروک در فرانسه «قصر ورسای» است که ساختمان آن نزدیک به ۱۵ سال طول کشید. این قصر توسط «لوئی لئو» و «ژول منسر» بنا گردید، «منسر» همچنین کلیسای «انوالید» را در پاریس ساخت که آمیزه‌ای از سبک باروک و کلاسیک بود. این معمار هنرمند فرانسوی در ساختمان کلیسای انوالید تحت تاثیر طرح «میکل آنژ» در بر پائی کلیسای «سن پیترو» بوده است. در زمینه مجسمه‌سازی نیز مجسمه‌سازان فرانسوی تحت تاثیر خصوصیات باروک قرار گرفتند، بویژه در مدت زمان اقامت برنینی در فرانسه هرچند سبک کارهایش چندان مورد پسند لوئی چهاردهم و سایر محافل هنری قرار نگرفت، اما تاثیر عمده‌ای بر کار مجسمه‌سازان باروک فرانسه بجای گذاشت.

در این آکادمی ضوابط و یژه‌ای برای آموزش تئوری و عملی هنر وضع گردید که بعدها اساس مقررات و ضوابط آموزش هنر در آکادمیهای فرانسه و سایر کشورهای اروپا گردید. در آغاز قرن هیجدهم، معماران فرانسوی نسبت به زمینه‌های معماری باروک در دوره‌های قبل و حتی آثار معماران نام‌آوری چونان «منسر» و بلوندل با نظری سخت انتقاد گرایانه رو برو شدند. آنان آثار معماری دوره‌های قبل را از نظر هماهنگی فرم داخلی با معماری خارجی بنا دارای نواقص بسیار دانستند و بتدریج شیوه‌ای را بنیان نهادند که تحولی بویژه در زمینه معماری و معماری داخلی ایجاد کرد که به سبک روکوکو مشهور گشت که بحث و بررسی آن را به فصلی دیگر موکول می‌کنیم.



پیناسکی: سن میکله، بعد از ۱۶۷۵.